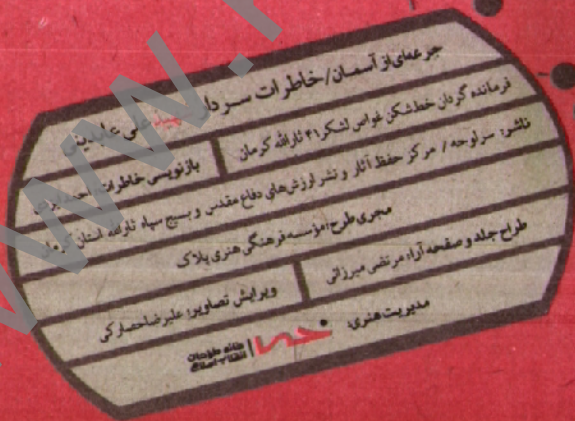


جرعه‌های از آسمان

روایتی از حیات عارفانه‌ی
سردار شهید علی عابدینی



سرشناسه: ایزدی، احمد. ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مروری بر روایاتی از حیات جان فانی سرفراز شهید علی عابدینی (بازویسی احمد ایزدی)

زبان: فارسی | کشور: ایران | گنجینه: کتابخانه شهدای استان کرمان

موضوعات: شهدای استان کرمان | سرلوحه: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان)

مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس | پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان) | سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان) | ۱۳۹۲

موضوعات: ظهوری ۹۶، تصویرگری | شماره: ۹۷۸-۳۰۰-۹۳۱۷۲-۲ | وضعیت: فهرست نویسی فیلد

یادداشت: عنوان دیگر: خاطرات سردار شهید علی عابدینی | سرعبد علی عابدینی | ۹۱ شماره: کرمان

عنوان دیگر: خاطرات سردار شهید علی عابدینی | سرعبد علی عابدینی | ۹۱ شماره: کرمان

موضوع: علی، علی. ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ | سرگذشتنامه

موضوع: شهدای ایران | ایران | فرمانده کل قوا: حاج آقا محمد باقر خاتمی

موضوع: شهدای ایران | ایران | فرمانده کل قوا: حاج آقا محمد باقر خاتمی

شناسه: افزوده: کشور: ایران | گنجینه: کتابخانه شهدای استان کرمان

شناسه: افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان) | مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

شناسه: افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان) | سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمان) | وضعیت: فهرست نویسی

شناسه: افزوده: کشور: ایران | گنجینه: کتابخانه شهدای استان کرمان

زده: دی ۹۳ - ۸۴۳ - ۹۵۵ | شماره: کتابشناسی ملی: ۱۸۸۴۱۴

شمارگان: ۳۰۰۰ | قیمت: ۵۰۰۰ تومان

جرعه‌ای از آسمان

روایاتی از حیات عارفانه‌ی سردار شهید علی عابدینی

حالا، وقتی بچه‌های دهه‌ی شهدا مردی شده‌اند برای خودشان، نمی‌دانم چه حکمتی است که شهدا تازه یکی یکی خودشان را به آن‌ها و نسل بعدی‌شان نشان می‌دهند. گویی برخی از شهدا را خدا این همه مدت برای خودی نگه داشته و حالا، وقتی دل‌تنگی نسل بعد از شهدا به آسمان رسیده، عطای‌شان کرده به اهل زمین.

علی آقا «جرعه‌ای از آسمان» است، برای بقای حیات عطش‌زدگان زمینی.

بسم الله منازل الشهداء

کلاس دوم ابتدایی را که تمام کردم، می توانستم قرآن را به طور کامل و صحیح قرائت کنم؛ برای همین علی اصرار می کرد همیشه در وقت های بی کاری قرآن یادش بدهم؛ حتی وقتی که دیگران مشغول بازی بودند به من می گفت: تو بیا به من قرآن یاد بده. اگر در بازی های کودکانه مان بازنده می شدم و می بایست جریمه شوم، علی می گفت: من به جای تو جریمه می شوم، به شرط این که تو به من قرآن یاد بدهی.